

سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی (قدس سره)

ارتباط بیشتر این جانب با بیت حضرت امام رحمت الله علیه زمانی آغاز شد که مسئله توزیع شهریه آن حضرت میان طلاب مطرح شد. در آن زمان توزیع شهریه به اسم معظم له اشکال ایجاد می کرد چرا که رژیم حتی از مطرح شدن نام ایشان در این حد نیز وحشت داشت.

از طرفی حضرت امام به هیچوجه مایل نبودند در امر توزیع شهریه خللی وارد شده و طلاب عزیز با مشکل روبرو گردند. تصمیم بر این قرار گرفت که شهریه با نامی دیگر توزیع شود و اینکار با انتخاب نام «آیت الله آشتیانی» که در حقیقت نامی مستعار برای حضرت امام به منظور توزیع شهریه بود، آغاز گشت و اینجانب به اتفاق حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد حسین شریفی و حجت الاسلام والمسلمین حاج سید محمد موسوی قافله باشی و برخی دیگر از دوستان عهده دار توزیع شهریه حضرت امام با نام «آیت الله آشتیانی» شدیم.

بعدها مشخص شد که ساواک به این امر پی برده بود. در پرونده های ساواک که منتشر شده نیز این امر منعکس است که شهریه هایی که با نام آیت الله آشتیانی توزیع می شود، متعلق به آقای خمینی است.

اینجانب پس از پیروزی انقلاب اسلامی و طی دهساله گذشته علاوه بر این که یکی از اعضای دفتر حضرت امام رضوان الله علیه بودم، اقتضای توزیع شهریه امام را نیز داشتم و خدا را شکر می کنم که چنین سعادت را نصیب ساخت که از خدمتگزاران حضرت امام باشم.

□ امام در مقاطع حساس انقلاب اسلامی

الف- آخرین شب قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

روز ۲۱ بهمن سال ۵۷ همانطوریکه اطلاع دارید از سوی رژیم حکومت نظامی اعلام شد اما مردم با پیروی از فرمان امام مبنی بر شکستن حکومت نظامی و حضور در خیابانها، توطئه رژیم در سرکوب انقلاب و دستگیری انقلابیون را با شکست مواجه ساختند. تصور بسیاری از دوستان این بود که رژیم در این روز دست به جنایت خواهد زد و اقدامات از پیش طرح شده ای را به اجرا خواهد گذاشت و بر همین اساس در مدرسه رفاه حالت غیرعادی وجود داشت و اضطراب و نگرانی در چهره عده ای از دوستان به چشم می خورد؛ البته نگرانی این عزیزان نه برای خود، بلکه برای حضرت امام قدس سره بود و خوف آنرا داشتند که رژیم با حمله ای وحشیانه جان آن حضرت را مورد تهدید قرار دهد و هرچه به شب نزدیکتر می شدیم اضطراب و نگرانی دوستان بیشتر می شد. عده ای از رفقا به نزد امام رفته و با اصرار از ایشان خواستند که مدرسه را ترک کرده و به یک مکان امن بروند، اما امام عزیز - که در نهایت آرامش بر سر می بردند- با این پیشنهاد مخالفت کردند و اظهار داشتند به هیچ وجه مدرسه را ترک نخواهند کرد. و بدینسان آن حضرت بدون اینکه تفاوتی میان آن شب و شبهای دیگر قائل شوند، نماز شب خواندند و در کمال آرامش شب را

به صبح رساندند.

ب- اشغال افغانستان توسط شوروی و واکنش حضرت امام

اما خاطره به یادماندنی دیگری که از حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در ذهن دارم، مربوط است به شبی که قوای شوروی، افغانستان را اشغال کرد. شب هنگام (تقریباً نیمه های شب که به صبح نزدیک می شد) به ناگاه سفیر شوروی در تهران وارد دفتر حضرت امام شد. اعضای دفتر و از جمله خود من از حضور سفیر شوروی در دفتر امام آن هم در آن وقت از شب بسیار متعجب بودیم (البته همیشه داخل پراتنز ذکر کنم، اینکه چگونه سفیر شوروی بدون هرگونه اطلاع قبلی، بصورت سرزده وارد دفتر امام شد، مربوط است به سادگی تشکیلات دفتر و این سادگی همواره مورد نظر امام بوده و به آن سفارش می کردند) هرچه از او سوال کردیم که چه مسأله ای پیش آمده که شما چنین سرزده و در این موقع از شب به اینجا آمده اید؟ پاسخ می داد: من کاری ضروری و حساس با حضرت امام دارم و باید ایشان را ملاقات کنم. پرسش های ما و پاسخ های گنگ سفیر شوروی تا ساعت هشت صبح ادامه یافت و عاقبت ایشان خدمت امام رسیدند. سفیر شوروی خیر اقدام اشغال خاک افغانستان توسط قوای نظامی شوروی را به اطلاع حضرت امام رساند. امام با حالتی عصبی و متحکم رو به سفیر شوروی کرده و گفتند: «شما کاراثنای کردید. شما در این کار هیچ موفقیتی به دست نمی آورید



د. علاقمندی شدید حضرت امام به حفظ نظام

خاطره دیگری که نقل می‌کنم از توجه خاص امام به مسائل سیاسی اجتماعی جامعه و هشاری فوق‌العاده ایشان در امور سیاسی است. یادم هست برگزاری اولین انتخابات ریاست جمهوری مصادف شد با زمانی که حضرت امام در بیمارستان قلب بستری بودند. همه مسئولان بسیار نگران حال حضرت امام بودند و مرتب برای دیدن آن حضرت به بیمارستان می‌آمدند و همه سعی داشتند مشکلات مملکتی را به جهت حال امام با ایشان مطرح نکنند و بسیار در حرف زدنهای خود احتیاط می‌کردند. لیکن حضرت امام حتی در آن حال از تمامی مسائل می‌پرسیدند و کسب اطلاع می‌کردند. مردم عاشق هر روز گروه گروه به بیمارستان قلب می‌آمدند و حال امام را جویا می‌شدند و در هر گوشه میهن اسلامی نیز مراسم دعا و نیایش بمنظور بهبودی حال ایشان برگزار بود. در این حال که همه در فکر سلامتی حضرت امام قدس سره بودند خود ایشان تنها از اوضاع و احوال کشور می‌پرسیدند. از طرف دیگر تاریخ انتخابات ریاست جمهوری نزدیک بود، امام عزیز با درک حساسیت برگزاری این انتخابات به حاج احمد آقا گفته بودند که: «اگر خدای ناکرده مسئله‌ای برای ایشان پیش آمد آنرا مخفی نگاه داشته و پس از برگزاری انتخابات اعلام کنند».

بنابراین شاهدیم که امام عزیز تا چه حد برای حفظ نظام جمهوری اسلامی اهمیت قائل بوده‌اند و بر نسل حاضر و آینده است که حافظ صالحی برای این نظام باشند تا انشاء الله جمهوری اسلامی ایران، زمینه ساز حکومت اسلامی جهانی حضرت مهدی (عج) گردد.

هـ. کودتای نافرجام عناصر وابسته به چپ
خاطره دیگری که نقل می‌کنم مربوط است به کودتای نافرجام که چند سال پس از کودتای نوژه طرح آن توسط عناصر وابسته به شرق ریخته شد. نظام نویای جمهوری اسلامی ایران هر روز با توطئه‌ای جدید روبرو بود و تمامی قدرتهای بزرگ، رشد کشوری اسلامی و مستقل را تحمل نمی‌کردند و



سخنان مادر در او مؤثر افتاد و وی جریان این کودتا را با یکی از مسئولان کشور در میان گذاشت. آنطور که به یاد دارم این مسئول حضرت آیت الله خامنه‌ای بودند که بلافاصله به همراه یک نفر دیگر خدمت امام رسیدند و جریان را به اطلاع رسانده، خواهش کردند که امام محل خود را ترک گفته و به مکان دیگری بروند. امام بدون هیچگونه تأملی مخالفت خود را با این نظر اعلام کردند و گفتند: «خیره من همین جا خواهم ماند» و بعد فرمودند: «شما بروید از صدا و سیما محافظت کنید که اگر حادثه‌ای به وقوع پیوست، من از آن طریق به ملت پیام دهم و آنان را از این توطئه آگاه سازم».

شخص دومی که با آقای خامنه‌ای خدمت امام رسیده بود با لحنی آمیخته با خجالت و حیاء بر تقاضای خود پافشاری کرد و گفت: احتمال خطر وجود دارد و ما برای جان شما خوف داریم، پس بهتر است که به جایی دیگر بروید. امام لبخندی دلنشین بر لب آوردند و خطاب به ایشان گفتند: «من هستم، شما خیالتان راحت باشد. اگر حادثه‌ای رخ داد، پیام می‌دهم» آرامش امام آن برادر را مجاب ساخت و تسلی خاطر همگان را فراهم ساخت و ما شاهد بودیم که این توطئه نیز خیلی زود نقش بر آب شد.

و بی‌تردید روزی به اشتباه خود اقرار خواهید کرد»، و همگان شاهد بودند که زمان چه زود بر صحت کلام امام گواهی داد.

ج. کودتای آمریکایی نافرجام نوژه
خاطره دیگری که از حضرت امام رحمت الله علیه نقل می‌کنم، مربوط به کودتای آمریکایی نوژه است. کودتای نافرجام نوژه که توسط برخی از عمال آمریکا طرح ریزی شده بود و هدف سقوط نظام جمهوری آسمی را تعقیب می‌کرد، در نظر داشت با کمک چند تن از افسران وابسته به نظام سرنگون شده ستم شاهی با تصرف مکانهای حساس و بمباران محل اقامت مسئولان بلند پایه کشور و از جمله با بمباران منزل حضرت امام، توطئه‌ای شوم را به قالب اجرا گذارد. اما از آنجا که خواست خدا بر افشای آن و دستگیری عوامل دست‌اندرکار قرار گرفته بود، یکی از خود فروختگان موضوع را به اطلاع مادرش رساند. مادر او را موعظه کرد و گفت: «این نظام، نظام حق است، حکومت اسلامی است و حکومت خدا است و در رأس آن یک مرجع تقلید که نایب امام زمان (عج) است، قرار دارد و خداوند اطاعت از او را واجب کرده و هر اقدامی علیه این نظام، مخالفت با اسلام است».



مسلمین بود. به یاد داریم، بنی صدر جمعیت زیادی را عوام فریبانه به دور خود جمع کرده بود و باور داشت که از یک پایگاه مردمی برخوردار است. روزی چند تن از ائمه جمعه شهرستان‌های مختلف از جمله شهدای محراب آیت‌الله صدوقی و آیت‌الله مدنی و عده‌ای دیگر خدمت امام رسیدند. این عده پس از بازگشت از محضر امام خوشحال به نظر می‌رسیدند. کنجکاوانه پرسیدم چه شده که شما اینقدر خوشحالید؟ پاسخ دادند: حضرت امام فرموده‌اند: «چنانچه حجت شرعی تمام شده باشد، درنگ نخواهم کرد و بدانید که خلع بنی صدر لحظه‌ای

تمامی تلاش خود را معطوف ساخته بودند تا هر روز کشوری اسلامی را با مشکلی تازه روبرو سازند و در این بین از طرح توطئه‌های براندازی نیز خودداری نمی‌کردند. اما روبروی آنان مردی نستوه، سازش‌ناپذیر و مهمتر از همه خدایی روبروی آنان بود این که می‌گویم خدایی و این بُعد را برجسته می‌کنم دلیل براین است که معتقدم در مراحل مختلف انقلاب اسلامی تنها همین خصیصه بوده است که نصرت را بر ایمان به ارمغان آورده است. در یکی از نیمه‌شب‌ها خبر آوردند که قرار است کودتایی رخ دهد. حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج احمد آقا شتابان خدمت امام رسیدند. امام به ادای نماز شب مشغول بودند (کاری که همیشه در این ساعت انجام می‌دادند). مدتی طولانی به انتظار ایستادند اما امام غرق در راز و نیاز با خداوند بودند، وقتی حاج احمد آقا موضوع را به اطلاع امام رساند، ایشان با همان متانت و آرامشی که همواره داشتند اشاره کردند و آرام فرمودند «مسأله‌ای نیست؛ شما بروید و خیالتان آسوده باشد...»

و- عزل بنی صدر از ریاست جمهوری

اجازه بدهید در ادامه واکنش‌های حضرت امام در مقاطع حساس انقلاب اسلامی به فتنه بنی صدر و اعوان و انصار آن و دفع آن توسط امام اشاره کنم. غالب دوستان به یاد دارند که حضرت امام اصولاً در برابر رخدادهای سیاسی-اجتماعی و فرهنگی چه مواضع پیامبرگونه‌ای را اتخاذ می‌کردند. به دیگر سخن، حضرت امام در مواجهه با مسائل اجتماعی همان رفتاری را پیشه می‌کردند که پیامبران الهی بدان عمل می‌کردند. حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه در برخورد با افرادی چون بنی صدر که به لحاظ اجتماعی و شخصیتی بیمار می‌نمودند، رفتار خاص خود را داشتند. امام معتقد بودند، باید شخص بیمار را معالجه کرد و این شیوه درمان به صور مختلف که پند و اندرز، صبر و بردباری و... را شامل می‌شد، بود. و چنانچه اقدام‌های درمانی مؤثر نمی‌افتاد همانگونه که در بنی صدر مؤثر نیفتاد. اقدام نهایی را به عمل می‌آوردند. در این مرحله حضرت امام به مواردی که در اصطلاح عام مصلحت اجتماعی-سیاسی نامیده می‌شد توجهی نداشتند و توجه اصلی ایشان معطوف به مصلحت اسلام و

بهشی و یارانش بدست مناقضین کوردل و همچنین در شهادت دکتر باهنر و شهید رجایی امام غم به ابرو نیاوردند و برخورد مناسب و استواری ایشان چنان دل‌های داغدار و آلام امت را تسکین داد که فاجعه‌ای که در هر کشور دیگر بدون تردید سقوط دولت و نظام را به همراه داشت، کوچکترین خللی به نظام نوپای جمهوری اسلامی وارد ناساخت. اقا امام عزیز که در سوگ عزیزان و یارانش و در سوگ فرزندان مجتهد، عارف و بزرگوارش شهید حاج آقا مصطفی حسی قطره‌ای اشک از چشم جاری ناساخت، شکسته شدن حرمت حرم امن الهی چنان ایشان را



به طول یک دقیقه بیش نخواهد بود» حضرت به مخاطبان خود فرموده بودند: «شما خیالتان کنید که من از هياهو و جنجال می‌ترسم، اگر تمام این جمعیتی که در حقیقت حاضر می‌شوند فریاد بر می‌آورند: درود بر خمینی، زمانی خلاف آنرا بگویند، برای من هیچ تفاوتی نخواهد داشت. من ذره‌ای به هوجبی گری‌ها واقعی نخواهم گذاشت من کاری به هياهو و درود گفتن‌ها ندارم بلکه تنها به تکلیف شرعی ام می‌پردازم همین و بس.»

ز- کشتار حجاج بیت‌الله در حرم امن و واکنش حضرت امام

صلابت و استقامت حضرت امام در مقاطع دشوار پس از انقلاب اسلامی بر هیچ کس پوشیده نیست. ما شاهد بودیم در شهادت شهید مظلوم

متأثر ساخت که در طول یک روز بیش از ده بار گریستند. ما بارها شاهد بودیم که حضرت امام جز در مصیبت مظلومانه «ابا عبدالله الحسین علیه السلام» نگریسته‌اند، اما چگونه است که واقعه خونین حج چنین امام را متأثر می‌سازد؟ این نیست جز اینکه امام عزیز از زیر پا گذاشتن آیات الهی از سوی خائنین به حرم امن خدا متأثر شده‌اند.

□ خصوصیات ویژه و زندگی پیامبرگونه حضرت امام

به عقیده من سادگی زندگی حضرت امام قدس سره در نوع خود بی‌نظیر بود و نمونه زندگی ایشان را باید در میان ائمه معصومین علیهم السلام جستجو کرد. در زمینه نکات ویژه در مورد زندگی ایشان صحبت را با نقل خاطره‌ای که از فرزند برومند



امام، حاج احمد آقا شیده ام آغاز می کنم.

بیت المال حساس شوند.

الف. حفظ بیت المال

حاج احمد آقا نقل می کرد: زمانی که حضرت امام در نجف اشرف بودند و فرزند و الامقام، دانشمند، عالم، عارف و مجتهدشان حاج آقا مصطفی شهید شدند، اولاً حضرت امام پس از شنیدن خبر شهادت ایشان استوار و بردبار تنها به گوشه ای رفته و به تلاوت کلام الله مشغول شدند و در حالی که حاج احمد آقا و بقیه اعضای خانواده می گریستند، حضرت امام، آنان را دلداری می داد.

ب. واکنش حضرت امام نسبت به اسراف

در طول دهسالی که از نزدیک شاهد بوده ام یکی از نکاتی که حضرت امام به آن فوق العاده اهمیت می دادند، ساده زیستی و عدم اسراف کاری بود. بارها من خود شاهد بوده ام که امام عزیز از جابر خاسته و بطرفی می روند پس از مدت کوتاهی متوجه شده ام که ایشان قصد خاموش کردن چراغی را دارند که بی مورد روشن است. و یا در مورد تلفن هایی که به دفتر ایشان می شد،



فرموده بودند: «آقایان سعی کنید از کارهای تکراری و مسرفانه جلوگیری کنید و از افراط نیز بپرهیزید.»

وقتی ایشان لیوان آبی را می خوردند اگر آب لیوان به نصف می رسید بر روی آن تکه کاغذی می گذاشتند و بقیه آب لیوان را برای رفع تشنگی بعدی خود باقی می گذاشتند و یا اگر زخم یا جراحتی بر قسمتی از بدنشان وارد می آمد، دستمال کاغذی را به چند تکه تقسیم می کردند و تکه ای از آن را استفاده می کردند.

حضرت امام با تمام مشغله ای که داشتند تمامی هزینه هایی که برای منزل ایشان می شد شخصاً کنترل می کردند و مسئولین مالی موظف بودند قبل از انجام هر خریدی برای بیت لیست اقلامی که قصد خرید آنها را دارند به امام عزیز بدهند.

ج. نظم در امور

نکته دیگری که بنظرم می رسد نظم موجود در امور و کارهای حضرت امام بود. حضرت امام برای تمامی ساعات شبانه روز، برنامه ای خاص داشتند بطوری که ساعات مطالعه، عبادت و نیایش، رسیدگی به امور مسلمین و مملکت اسلامی، خواب و حتی امور شخصی ایشان برنامه و زمان مشخص داشت و همین امر باعث شده بود ایشان از تمامی ساعات عمر پربرکت خود بنحو احسن بهره گرفته و روحی والا و دور از توصیف داشته باشند.

حضرت امام اول وقت نماز می ایستاد با خضوع و خشوع و حضور قلب نمازش را برگزار می کرد. قبل از فرا رسیدن وقت نماز حضرت به تلاوت قرآن کریم می پرداخت و پس از برگزار کردن نماز مغرب و عشاء به داخل حیاط خانه رفته و رو به قبله در حالیکه با انگشت بطرف قبله اشاره می کرد حدود ۵ دقیقه دعایی را زیر لب زمزمه می کرد. در این مورد از یک فرد موثق نقل است که حضرت این ذکر را که: «تحصنت بدار سفنها لا اله الا الله ونورها محمد رسول الله وبابها علی ولی الله وارکاتها لا حول ولا قوة الا بالله» مرتباً تکرار می کردند و ضمناً از حضرت امام نقل است که ذکر: «اللهم صل علی محمد وآل محمد وادفع عنا البلاء المبرم من السماء انک علی کل شیء قدير» هفت مرتبه در ساعات آخر روز جمعه خوانده شود.

حضرت امام بدون استثنا هر شب نماز شب را اقامه می کردند، برای این منظور معمولاً دو ساعت پیش از اذان صبح از خواب برمی خاستند و اگر وقت یاری می کرد نمازهای مستحبی را نیز به پا داشته و چنانچه تا اذان صبح وقتی باقی بود بولتتهای خیری مختلف را مطالعه می کردند.

حضرت امام در بدست آوردن اخبار منعکس شده از رادیوهای بیگانه اهتمام داشتند و غالباً اخبار رادیوهای بیگانه را گوش می دادند و امت مسلمان خود از طریق سیما جمهوری اسلامی مشاهده کرد که امام عزیز حتی در بستر بیماری نماز شب را ترک نکرده و از رادیو بمنظور کسب خبر استفاده می کردند حتی سه روز پس از عمل جراحی که حال حضرت امام رو به بهبودی گذاشته بود دستور دادند تلویزیون بیاورند تا از آن استفاده کنند.

ادامه دارد

